

پس از دستگیری

قسمت نهم

آنچه گذشت: پیرزنی به نام مامان ناز و

دخترش یکدفعه ناپدید شدند و مدتی

بعد نوه پسر مامان ناز در محل کارش به

طرز فجیعی به قتل رسید. دختر فروغ که

همراه همسرش روزبه دنبال ردی از مادر و

مادر بزرگش بود هم در خانه اش مورد حمله یک ناشناس قرار گرفت.

همان موقع بود که پسر بزرگ مامان ناز که پدر روزبه هم هست از خارج

از کشور به ایران آمد اما فردای همان روز روزبه و پدرش به اتهام قتل

بازداشت شدند و جسد مامان ناز و فروغ هم در گلخانه متروکه ای که

خانه باغ مامان ناز بود پیدا شد و حالا ادامه داستان...

هومن، گلرخ را به خانه خودشان برده بود و گلرخ همانطور که

داشت روی یک میز گرد شمع می چید، اصوات نامفهومی ادا می کرد

و به پهنای صورتش اشک می ریخت.

هومن به مرجان، همسر منصور زنگ زده بود و می گفت: «نمی دانم

چطوری به ریحانه بگم.»

بعد از هر جمله هق هقی می زد و باز ادامه می داد: «نمی دونم روزبه

رو چرا گرفتن اما آگه بفهمم کار کدوم بی شرفی بوده تیکه تیکش

می کنم... بیا حتما، من دست تنهام و الان مهمونای یان اینجا...

لطف می کنی، شما دیگه خودت صاحب عزایی.»

بعد هم پیراهن مشکی اش را پوشید و آماده شد تا از

مهمان هایش پذیرایی کند.

بازجویی روزبه در دادسرا شروع شده بود. بازپرس و روزبه در

یک اتاق نشستند. بازپرس که روزبه را نگاه نمی کرد و عینکش را

نوک بینی اش گذاشته بود و پرونده را نگاه می کرد، گفت: «بدون

طفره رفتن در مورد ارتباط با مادرش توضیح بده.»

روزبه گفت: «من هشت ماهه مادرم رو...»

بازپرس حرفش را قطع کرد: «روزی که فروغ به قتل

رسید، چند ساعت قبل ریحانه رفته بود خونه مامان ناز و مادرش

رو دیده بود. اون روز مادرت داشت جلوی در خونه مامان ناز پرسه

می زد. یه چادر مشکی کهنه هم سرش کرده بود و صورتش رو

پوشونده بود. بعد که ریحانه رو دید، برای این که ریحانه بهش شک

نکنه خودش رو دستفروش جازه بود و حتی یه خمیر دندان هم

به ریحانه فروخته بود.»

از بالای عینک نگاه می روزبه کرد و گفت: «تصویرش رو دوربینای

مدار بسته ضبط کردن، می خوام ببینی؟»

قبل از این که روزبه جوابی بده پرینت تصاویر را که ضمیمه پرونده

شده بود به او نشان داد و گفت: «قد مادرت از ریحانه کوتاهتره. اون

کسی که توی خونه تو به زنت حمله کرد هم قدش از زنت کوتاهتر

بوده. این رو خود ریحانه می گفت.»

عکس ها را دوباره لای پرونده گذاشت و گفت: «کی می تونه وارد

خونه تو بشه بدون این که قفل در خونه شکسته بشه؟ اونم

در حالی که از در ورودی آپارتمان وارد نشده و تصویر ورود و حتی

خروجش رو دوربین جلوی در ضبط نکرده؟ مگر این که تو با ماشین

خودت اون رو وارد خونه کرده باشی و دوربین پارکینگ شما که

طبقه منفی یک هست هم خیلی وقته خرابه.»

روزبه گفت: «یه جز ماشین من ماشین های زیاد دیگه ای وارد

پارکینگ میشن. مجتمع ما ۱۲۰ واحد هست که بعضی واحدها

سه تا پارکینگ دارن.»

بازپرس گفت: «به این بعدا می رسم. فعلا برگردیم به روز قتل

فروغ. البته به روز قتل مامان ناز هم می رسم.»

بعد ادامه داد: «اون روز وقتی ریحانه از خونه اومد بیرون، تو دقیقا

همون لحظه به مادرت زنگ زدی. احتمالا همون حوالی بودی

و داشتی زاغ سیاه ریحانه رو چوب می زدی. دو دقیقه بعد اون

خانوم خمیر دندان فروش از کیوسک تلفن سرکوپه به فروغ

زنگ می زنه. معلوم نیست چی می گه اما چون فروغ صدای خانم

دستفروش رو می شناخته خیلی سریع اعتماد می کنه و از خونه

می یاد بیرون. این سناریو رو طراحی کردین که وانمود کنین فروغ

بیرون خونه ناپدید شده. اما فرداش، صبح خیلی زود، دوباره به

بهونه سرزدن به خونه مادر بزرگت وارد خونه شدی. تو می دونستی

خمدتکار اون خونه ناشناس و اون موقع روز صدای بیل و کلنگ

رو نمی شنوه. از فرصت استفاده کردی و جسد رو دفن کردی.»

روزبه گفت: «شما به جز این داستان خیلی هیچ مدرکی ندارید.»

بازپرس: «مهم ترین مدرک تماس های تو با مادرت که ادعا می کردی

خارج از کشوره. اما میدونی قسمت وحشتناک ماجرا کجاس؟»

نگاهش را به روزبه دوخت و در ادامه گفت: «در طول تمام روزی

که تو زنت رو سوار ماشین کردی و دنبال مادرش توی شهر

می گشتی، جسد مادرش توی صندوق عقب ماشینت بود. تو

می ترسیدی ریحانه به هر دلیلی سراغ صندوق عقب ماشین بره.

برای همین یه دستنوشته نوشتی و یک لحظه که ریحانه کمی

ازت فاصله گرفت گذاشتی زیر برف پاک کن ماشینت که روی اون

نوشته بودی دنبال فروغ نگردید.»

بازپرس نفس عمیقی کشید: «کارشناس خط، صحت دست خط

تو رو تأیید کرده. دوربین مدار بسته یه بانک توی شهرک غرب هم

تصویر تو رو موقعی که داشتی نامه رو میذاشتی زیر برف پاک کن

ماشین خودت ضبط کرده.»

تصویر پرینت گرفته شده را جلوی صورت روزبه گرفت و فریاد

زد: «بیشتر از این، وقت ما رو تلف نکن. چون من وقت ندارم متن

تمام پیامی که با مادرت رد و بدل کردی را اینجا برات بخونم.»

بعد دسته ای برگه از لای پرونده بیرون کشید و گفت: «پای ریحانه رو

نکش وسط، تو به من قول داده بودی؛ تو این رو نوشتی و مادرت

نوشته؛ این دختره فصول برامون دردرس میشه.»

این را خواند و گفت: «و جای دیگه ای هم نوشته بود آگه تمام

قوم پدرت رو تارومار کنه، تو میمونی و نزدیک به ۸۰ میلیارد ارثیه.

رقم وسوسه کننده ای بود، نه؟ این قدر وسوسه کننده که نه تنها

تو رو راضی کرد عمه و مادر بزرگت رو خفه کنی، که حتی پدرت رو

راضی کردی کسی رو برای کشتن مزدک اجیر کنه.»

بازپرس دسته برگه ها را روی میز پرت کرد و گفت: «بازی تمومه. حالا

تنها کمکی که می تونی بکنی اینه که حقیقت رو بگی. شاید ریحانه

بهت رحم کنه و به خاطر قتل مادرش تقاضای قصاصت رو نکنه.»

مزایده ۹۹/۳۰۰۱ / اقلام مرکز فروش کوثر

سیرجان، کارخانه احیاء فولاد بافت، موسسه ثارالله (ع)

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸

الف) شرایط مزایده:

- ۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می باشد).
- ۲- متقاضی به محض برنده شدن مکلف است ۱۰٪ قیمت فروش را به صورت نقد از طریق کارت های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول به عنوان سپرده بپردازد.
- ۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال تهیه چک رمزدار در وجه مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.
- ۴- در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.
- ۵- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید، ۲٪ بابت هزینه های جانبی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.
- ۶- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می باشد.
- ۷- کلیه هزینه های پس از فروش به عهده خریدار می باشد.

ب) زمان و مکان:

- زمان بازدید مزایده: روزهای پنجشنبه و شنبه ۱۲ و ۱۴ تیرماه ۱۳۹۹
- صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶
- زمان برگزاری مزایده: روز یکشنبه ۱۳۹۹/۰۴/۱۵ ساعت ۸:۳۰ صبح
- آدرس محل برگزاری مزایده: کرمان، شهرستان رابر، کیلومتر ۷ رابر به جیرفت، سد صفارود، شرکت مهندسی سپاسد
- تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸

مرکز فروش کوثر در نظر دارد، اقلام مستعمل و اسقاط زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

تنوع اقلام:

آهن آلات ضایعاتی - لاستیک ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمان، شهرستان رابر، کیلومتر ۷ رابر به

جیرفت، سد صفارود، شرکت مهندسی سپاسد

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمان، بهرام جرد، نرسیده به گلزار،

پروژه انتقال آب کرمان، موسسه فاطر

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمان، شهرستان رابر، روستای گلوئی،

دهانه ورودی کارگاه تونل انتقال آب کرمان

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمان، بهرام جرد، گلزار، روستای

چهارطاق، معدن مس درآلو، موسسه امین

تلفن تماس: ۰۹۳۶۱۷۲۰۹۳۸

آهن آلات ضایعاتی

آدرس محل بازدید: کرمان، شهرستان بافت، کیلومتر ۷ جاده بافت به

ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت مزایده: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵ مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶-۷

آدرس اینترنتی: www.Kosar-net.ir



داستان دنباله دار



در طول تمام روزی

که تو زنت رو سوار

ماشین کردی و دنبال

مادرش توی شهر

می گشتی، جسد

مادرش توی صندوق

عقب ماشینت بود

